

چهار نمایش جدید به کارگردانی زهرا صبری، سهند خیرآبادی، رضا بهکام و یاسر مناجی در روزهای پیش رو در تالارهای قشقای، چهارسو، سایه و کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شوند. همزمان، نمایش «کوروش» نیز اجرای خود را در تالار اصلی ادامه می‌دهد. نمایش «زمین و چرخ» به طراحی و کارگردانی زهرا صبری، از پنجم تا پانزدهم آبان ساعت ۱۹:۴۵ در

۴ نمایش جدید در تئاتر شهر



در گزارش پیش‌رو، فیلم‌های بلند، کوتاه، مستند و دیگر آثاری که از شروع دو جنگ ایران ساخته شده‌اند را بررسی کردیم

به‌طور معمول، هنر و به‌ویژه سینما، دیر یا زود به رویدادهای اجتماعی ازجمله جنگ واکنش نشان می‌دهند. سینماگران نیز دردها، ترس‌ها و رنج‌های مردم را با فاصله‌ای کوتاه یا بلند روی پرده بازتاب می‌دهند و این بار هم چنین شد.

از زمان شروع جنگ ۱۲روزه تا به امروز که جنگ رمضان را پشت سر گذاشته‌ایم، تعداد قابل توجهی فیلم کوتاه، بلند، مستند و حتی انیمیشن - ازجمله انیمیشن‌های لگویی - در ارتباط با این دو رخداد ساخته شده است. بررسی منابع منتشرشده نشان می‌دهد که دست‌کم چهار فیلم بلند داستانی با موضوع جنگ ۱۲روزه در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده‌اند. علاوه‌براین، یک مجموعه ۲۲ فیلمی مستند نیز فرصت حضور درفضای جشنواره‌ای را پیداکرده است. درباره جنگ رمضان هم اخبار متعددی از ساخت حدود ۳۰پروژه مستند و چند فیلم داستانی منتشر شده که در مراحل مختلف تولید یا توسعه قرار دارند. البته این ارقام را باید با دقت بیشتری دسته‌بندی کرد؛ بعضی پروژه‌ها تکمیل شده‌اند، برخی تنها نمایش جشنواره‌ای داشته‌اند و تعداد محدودی هم به مرحله اکران عمومی رسیده‌اند. به این ترتیب، هنوز تصویر کامل و دقیقی از حجم واقعی تولیدات سینمایی مرتبط با این دو جنگ در دسترس نیست و باید منتظر روزهای آینده ماند.

فیلم‌هایی با محوریت جنگ‌های اخیر

در فراخوان بنیاد سینمایی فارابی درباره جنگ ۱۲روزه ۹۵ طرح و فیلمنامه دریافت شد که از میان آثار برگزیده، تنها ۱۰ مورد به مرحله تولیدفیلم رسیدند. این آمار به‌طور قطع به‌معنای تأیید وساخت تمام آثار پیشنهادی نیست. چهار فیلم بلند داستانی با موضوع جنگ ۱۲روزه عبارتند از نیم‌شب، قمارباز، سقف و کافه سلطان که اینها در جشنواره فجر نمایش داده شده‌اند. «نیم‌شب» داستان خارج‌کردن بیماران از کنار منطقه‌ای در یوسف‌آباد است که هر لحظه احتمال انفجار موشک عمل نکرده وجود دارد. «قمارباز» روایت حمله سایبری به یکی از بانک‌های کشور در روزهای جنگ را به تصویر می‌کشد و نمایش جشنواره‌ای و اکران عمومی آن به پایان رسیده است. فیلم «سقف» هم درباره سفر خانواده‌ای به خاطر جنگ به خانه یکی از اقوام خود است که برای‌شان درسرراهی می‌آفریند. داستان «کافه سلطان» نیز در یک کافه بین‌راهی متروکه به نام کافه سلطان می‌گذرد که سال‌هاست مشتری چندانی ندارد.

تالار قشقای روی صحنه می‌رود. «خسروپرویز» به نویسندگی و کارگردانی سهند خیرآبادی نیز از ششم آبان ساعت ۲۰ در تالار چهارسو اجرا می‌شود.

نمایش «فن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق» به نویسندگی اولین دلاشلیمر، ترجمه مازیار نیستانی و کارگردانی رضا بهکام، از ششم آبان ساعت ۱۹ در تالار سایه میزبان مخاطبان است. «ساوانابای» به نویسندگی مارگریت

آثار در دست ساخت یا ساخته‌شده

در این بخش باید میان فیلم دارای خبر پیشرفت تولید و وعده‌های کلی مدیران فرق بگذاریم. «ده و بیست دقیقه» با نام پیشین «محوطه جریمه» به کارگردانی حسن و حسین صیدخانی و نویسندگی داوود نوروزی حدود ۸۰ درصد فیلمبرداری‌اش در جنوب کشور انجام شده و با محوریت دانش آموزان میناب است. «همه چیز درباره رقتن» صابر الله‌دادیان فیلمی داستانی درباره اختلال جنگ در رسیدن قلب اهدایی به یک بیمار است؛ سازنده آن را مبتنی بر واقعه‌ای واقعی در جنگ رمضان معرفی کرده و در بخش «وطن به روایت» چهل‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه‌تهران به نمایش درآمد. مجموعه طرح‌های «مدرسه‌ای که می‌رفتم» نیز حاصل فراخوان بنیاد سینمایی فارابی است که تعدادی طرح پذیرفته شده و بنا بر اظهارات رئیس سازمان سینمایی، نویسندگان با همراهی سینماگران در حال تکمیل فیلمنامه بوده‌اند؛ این وضعیت، توسعه فیلمنامه است، نه تأیید شروع تولید همه آثار.

حقیقت، بیش‌تر از داستان

سیاست اعلام‌شده مرکزگسترش، تشویق فیلمسازان به ساخت آثار ۱۰ تا حداکثر ۱۵ دقیقه‌ای، به جای فیلم‌های ۳۰ تا ۴۰ دقیقه‌ای بوده؛ با این استدلال که مراجه دیر هنگام ممکن است بخشی از واقعیت زنده را از دسترس خارج کند. این تصمیم، سرعت و شمار تولید را توضیح می‌دهد. مزیت این کار حفظ موقعیت‌ها، صداها و تجربه‌هایی است که بعدها قابل بازسازی نیست. محدودیت این رویکرد نیز روشن است؛ زیرا تعداد زیاد فیلم‌های کوتاه را نمی‌توان معادل همان تعداد مستند بلند پژوهشی در نظر گرفت. «ثبت با سند برابر است» به کارگردانی نیما مهدیان مراحل پایانی فنی خود را می‌گذراند. همچنین سارا طالبیان مستندی درباره یکی از کودکان کشته‌شده در میناب در حال ساخت دارد که فیلمبرداری آن در میناب در حال انجام است. «اسر روشنی» به کارگردانی کیانی مستندی به پایداری کادر درمان در روزهای جنگ می‌پردازد. مستند «ناوچه دنا» به کارگردانی علی فراهانی صدر نیز در دست ساخت است. همچنین، تصویربرداری مستندی درباره دکتر علی لاریجانی به کارگردانی عارف افشار ادامه دارد. مستند «حمله به انستیتوپاستور تهران» به کارگردانی عبدالستار کاکایی نیز مراحل پایانی تصویربرداری را می‌گذراند. وحید صداقت هم ساخت مستندی درباره حمله به یکی از مراکز مهم تهران را در دست دارد. «هدا» به کارگردانی حامد سعادت، مستندی درباره یکی از

دوراس و کارگردانی یاسر مناجی نیز از پنجم آبان ساعت ۱۹:۱۵ در کارگاه نمایش اجرا می‌شود.

نمایش کوروش به نویسندگی و کارگردانی نادر برهانی‌مرد، ساعت ۱۹:۳۰ در تالار اصلی روی صحنه است. علاقه‌مندان می‌توانند بلیت نمایش‌ها را از سامانه‌های «گیشه تئاتر» و «تیوال» یا گیشه مجموعه تهیه‌کنند.



دانش آموزان مدرسه شجره طیبه میناب است که از زیر آوار نجات می‌یابد و با پیامدهای جنگ روبه‌رو می‌شود.

جنگ در این فیلم‌ها فقط میدان نبرد نیست

در موضوعات ذکرشده در دو گونه مستند و داستانی حمله سایبری به بانک، نگهداری از نوزادان، پیوند قلب، تجربه کودکان، فعالیت کادر درمان و آسیب به زیرساخت‌های علمی دیده می‌شود. بنابراین، بخش مهمی از این جریان به اختلال جنگ در زندگی روزمره و خدمات حیاتی می‌پردازد، نه بازسازی عملیات نظامی. این تغییر موضوعی مهم است؛ امکان روایت جنگ از نگاه شهروند، بیمار، کودک و مراقب را فراهم می‌کند. البته تنوع موضوع، به خودی خود اثبات‌کننده تنوع دیدگاه نیست؛ برای ارزیابی آن باید خود فیلم‌ها و ترکیب مصاحبه‌شوندگان و منابع‌شان بررسی شوند.

سهم نهادهای عمومی سینمایی در جنگ

فراخوان ۹۵ طرحی فارابی، انتخاب ۱۰ پیشنهاد، تولید «قمارباز» و نقش مرکز گسترش در مستندها نشان می‌دهد بخش قابل مشاهده این موج، به شدت از مسیر نهادهای عمومی بوده است. این ساختار می‌تواند ثبت سریع وقایع و تأمین امکانات را ممکن کند؛ اما برای ارزیابی سیاست فرهنگی، بررسی اصلی فقط «چند فیلم ساخته شد؟» نیست. باید بدانیم چه میزان بود چه صرف شده و چه طرح‌هایی کنار گذاشته شدند؟

سرعت تولید مساوی با موفقیت هنری نیست

تعداد زیاد آثار همواره به معنای کیفیت بالاتر یا هماهنگی فرم و محتوا نیست. از این‌رو، نمایش چهار فیلم بلند در نخستین جشنواره پس از جنگ، بیش از هر چیز، از سرعت ورود این موضوع به چرخه تولید حکایت دارد. با وجود این، مرور تولیدات نیز از ضعف‌های فیلمنامه و دشواری روایت در فاصله کوتاه از واقعه سخن می‌گوید.

تحلیل ثبت سینما از جنگ ناکنون

آنچه حالا می‌توانیم با اتکای روشن به منابع موجود بگوییم این است که تا این لحظه چهار فیلم بلند داستانی درباره جنگ ۱۲روزه ساخته و در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده‌اند. در کنار آنها یک مجموعه ۲۲ فیلمی مستند نیز فرصت حضور جشنواره‌ای پیدا کرده است. درباره جنگ رمضان هم خبر از اعلام حدود ۴۰ پروژه مستند منتشر شده که در مراحل مختلفی از تولید قرار دارند. البته در کنار این ارقام رسمی، آثاری مثل «ده و بیست دقیقه» خبرهای واقعی از پیشرفت تولید دارند و پروژه‌های دیگری هنوز در مرحله نگارش فیلمنامه یا حتی وعده ساخت متوقف مانده‌اند. به همین دلیل نمی‌توان این اعداد را با هم جمع زد و مدعی شد که دقیقاً این تعداد فیلم درباره دو جنگ ساخته شده است. تفاوت مرحله تولید باعث می‌شود هر رقم معنای متفاوتی داشته باشد. در نتیجه، دقیق‌ترین توصیف وضعیت فعلی را می‌توان این‌گونه بیان کرد: موج سریعی از تولید شکل گرفته، اما شفافیت کافی درباره بودجه، میزان مخاطب و وضعیت نهایی بسیاری از پروژه‌ها وجود ندارد. سینما تا اینجا بخشی از تجربه این جنگ‌ها را ثبت کرده و کوشیده است بازتابی از حال و هوای جامعه باشد. با این حال، برای تبدیل این موج به کارنامه‌ای قابل سنجش و جدی، انتشار فهرست دقیق پروژه به‌پروژه، اعلام مرحله واقعی تولید، هزینه‌ها و آمار تماشاى هراتر ضروری به نظر می‌رسد.

به عنوان مثال، فیلم سینمایی «گلوریا» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی بابک برجسته رونمایی شد. این فیلم پس از پایان فیلمبرداری و تکمیل مراحل فنی، آماده نمایش شده است. فیلمنامه گلوریا براساس طرحی از زنده‌یاد علی برجسته نوشته شده و داستان زنی جوان را روایت می‌کند که پس از شکست در ازدواج نخواست خود، با مردی به نام نیما که ۲۰ سال از او بزرگ‌تر است ازدواج می‌کند اما با آغاز حملات موشکی و وقوع جنگ ۱۲روزه، زندگی او وارد مسیری تلخ و غیرمنتظره می‌شود.

و مورد بحث قرار می‌گیرد. با وجود این، باور عموم منتقدان و تحلیلگران سینمایی این است که با توجه به نگاه غمخوارانه و مثبت سازندگان فیلم به مایکل جکسون، بعید به نظر می‌رسد که آنها نگاه صادقانه و مستقلی نسبت به موضوع تجاوزهای این خواننده داشته باشند و تلاش خواهند کرد آنها را به قول معروف «ماستمالی» کنند!

زاویه دید!

این نکته‌ای است که جعفر جکسون، برادرزاده خواننده و بازیگر نقش مایکل در این فیلم هم درباره‌اش صحبت کرده است. به گفته جعفر جکسون قرار است موضوع رفتارهای غیراخلاقی و غیرقانونی خواننده از نگاه او تعریف شده و مورد بحث قرار گیرد. به گفته جعفر جکسون: «فکر کنم در قسمت دوم ماجراها خیلی بیشتر از زاویه دید و نگاه خود مایکل تعریف و بازگو شود. اتهاماتی که علیه او بیان شد، نگاه و نقطه نظر دیگران بود و ظاهراً قرار نیست ماجرا از نگاه کسان دیگر به تصویر کشیده شود.» بسیاری از فعالان حقوق مدنی گفته‌اند از حالا خودشان را آماده برخورد با داستان قسمت دوم فیلم کرده‌اند.



متن کامل را در
جام جم آنلاین
بخوانید



فرهنگ

CULTURE

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۵۲

خزهبین

کمال تبریزی در گفت‌گویی اختصاصی با «جام جم»:

سینمای مقاومت

از فیلمنامه جان می‌گیرد



کارگردان فیلم «لیلی با من است» با تأکید بر ضرورت تقویت فیلمنامه در سینمای ایران گفت: سینمای مقاومت برای تداوم موفقیت‌های خود باید به نگارش فیلمنامه‌های دقیق‌تر و متنوع‌تر و پیوند دادن موضوعات با مسائل روز جامعه توجه بیشتری داشته باشد، چراکه پرداخت درست به موضوعات و انتخاب زاویه دید مناسب نقش تعیین‌کننده‌ای در تأثیرگذاری آثار سینمایی بر مخاطبان دارد.

به گزارش جام‌جم، کمال تبریزی با اشاره به اهمیت فیلمنامه در تولید آثار سینمایی اظهار کرد: یکی از معضلات بزرگ فیلم‌سازی در سینمای امروز ایران، ضعف فیلمنامه است؛ مسأله‌ای که سینمای مقاومت، با وجود خلق و تولید برخی از تأثیرگذارترین آثار سینمایی نیز با آن مواجه است. فیلمنامه متنی است که درواقع دستورالعمل ساخت فیلم نهایی به شمار می‌رود و به همین دلیل اهمیت ویژه‌ای در فرآیند تولید دارد. هر اندازه این متن از انسجام روایی، شخصیت‌پردازی دقیق و نگاه روشن‌تری برخوردار باشد، زمینه برای شکل‌گیری اثری قابل قبول‌تر فراهم می‌شود.

او با اشاره به نقش عوامل مختلف در شکل‌گیری یک اثر سینمایی اضافه کرد: مجموعه سازندگان فیلم از جمله افرادی که با تخصص‌های مختلف در پروژه حضور دارند، همچنین کارگردان و تهیه‌کننده در نتیجه نهایی اثرگذارند. با این حال معتقدم در مثلث کارگردان، تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس مهم‌ترین نقش را دارد و کارگردان و تهیه‌کننده در مراحل بعدی تعیین‌کننده‌اند. درواقع زمانی که فیلمنامه از ابتدا با دقت و کیفیت لازم نوشته شده باشد، دیگر عوامل نیز می‌توانند ظرفیت‌های خود را بهتر به کار بگیرند و در مسیر مشخص‌تری حرکت کنند.

این کارگردان سینما با تأکید بر ضرورت توجه بیشتر به کیفیت فیلمنامه‌ها یادآوری کرد: باید در این حوزه دقت بیشتری به خرج دهیم. فیلمنامه‌ها را دقیق‌تر و متنوع‌تر بنویسیم و موضوعات را با مسائل روز جامعه پیوند بزنیم. این ضرورت به همه حوزه‌های فیلمسازی مربوط است؛ چه آثاری که در زمینه‌های مختلف ساخته می‌شوند و چه فیلم‌هایی که به موضوع مقاومت می‌پردازند. نمی‌توان صرف انتخاب یک موضوع مهم را برای موفقیت یک فیلم کافی دانست بلکه چگونگی روایت آن موضوع و نحوه ارتباط برقرار کردن با مخاطب نیز اهمیت زیادی دارد.

تبریزی با اشاره به حساسیت‌های سینمای مقاومت ادامه داد: در این حوزه باید با دقت بیشتری عمل کنیم. می‌توانیم متناسب با حوزه‌ها و موضوعات گوناگون، مسیر فیلمسازی در عرصه مقاومت را ادامه دهیم. توجه به این تفاوت‌ها کمک می‌کند فیلمسازان از تکرار شیوه‌های محدود فاصله بگیرند و برای روایت تجربه‌ها و مسائل مختلف، سراغ ایده‌ها و ساختارهای متنوع‌تری بروند. او با ارزیابی روند فعالیت سینمای مقاومت از آغاز شکل‌گیری آن تاکنون گفت: فکر می‌کنم سینمای مقاومت در مجموع عملکرد قابل قبولی داشته و تا حد زیادی موفق بوده است. امیدوارم از این پس نیز با توجه به ویژگی‌ها و حساسیت‌های بیشتر این حوزه، فیلمسازان بتوانند موفقیت‌های گذشته را تکرار کنند؛ به‌ویژه در زمینه نگارش فیلمنامه و ساخت آثار سینمایی.

این کارگردان در مجموع، ارتقای کیفیت فیلمنامه را یکی از ضرورت‌های اصلی پیش روی سینمای ایران می‌داند؛ ضرورتی که در سینمای مقاومت به‌دلیل اهمیت موضوعات و گستردگی مخاطبان آن می‌تواند نقش پررنگ‌تری داشته باشد. توجه همزمان به تنوع موضوعی، دقت در نگارش و شناخت مسائل جامعه، زمینه‌ای برای تولید آثاری فراهم می‌کند که علاوه بر پرداختن به مفاهیم مورد نظر، از قدرت روایی و ظرفیت بیشتری برای برقراری ارتباط با مخاطب برخوردار باشند.